

سینما

چگونه فوتبال همه نهادهای فرهنگی را به طمع انداخت؟!



در شرایطی که با طرح بحث بلیت‌فروشی برای نمایش بازی‌های جام‌جهانی در سالن‌های سینما اعتراضاتی نسبت به این موضوع از جانب برخی از اهالی سینما و رسانه‌ها صورت گرفته بود حالا خبر رسیده در شب بازی ایران و مراکش سایر مراکز فرهنگی نیز به بلیت‌فروشی برای این رویداد پرداخته‌اند؛ موضوعی که مشخص نیست متولی اصلی آن کیست. به گزارش فارس، پس از برگزاری جلسات بسیار، روز سه‌شنبه ۲۲ خردادماه طرح نمایش بازی‌های جام‌جهانی در سینماهای کشور از شورای عالی آکران مجوز گرفت تا این بازی‌ها با دریافت مبلغ ۲۰ هزار تومان در برخی سینماهای کشور به نمایش درآید. نمایش بازی‌های جام‌جهانی در سینماهای کشور با وجود گرانی بلیت، مجوز داشت اما روز جمعه هم‌زمان با بازی ایران و مراکش، بسیاری از سازمان‌هایی که مردم در آنها رفت و آمد دارند نیز بازی‌های جام‌جهانی را به نمایش درآوردند، مانند برخی تئاتر و فرهنگسراها، نمایشی که این شبانه را به ذهن متبادر می‌کند که آیا این نمایش‌ها مجوز دارد؟ اگر تارده، چه کسی برای‌شان صادر کرده است؟ برج میلاد تهران در این روز برای نمایش بازی ایران و مراکش در مرکز همایش‌های برج میلاد بلیت‌های ۹۵ هزار تومانی به فروش رساند. در این میان آنچه هنوز مشخص نشده این است که چه کسی مسؤولیت اعطای مجوز برای نمایش عمومی بازی‌های فوتبال را دارد؟ شهرداری تهران با اتکا به چه مجوزی بازی‌های فوتبال را نمایش داده و برای آن بلیت‌فروشی کرده و همچنین چه کسی به برج میلاد تهران مجوز فروش بلیت‌های ۹۵ هزار تومانی را برای تماشای این بازی داده است؟

کمدی‌ها همچنان

در صدر فروش سینماها

مجموع فروش سالن‌های سینمای سراسر کشور در هفته گذشته تقریباً به یک میلیارد و ۶۸۰ میلیون تومان رسید و در این میان سهم فیلم‌های کمدی بیش از سایر آثار بود. به گزارش تسنیم، فیلم سینمایی «تگزاس» به کارگردانی «مسعود اطیابی» پس از ۸ هفته آکران در صدر فروش قرار دارد و توانسته مجموع فروش خود را به ۹ میلیارد و ۳۹۰ میلیون تومان برساند. پس از آن سینمایی «خجالت‌نکنش» به کارگردانی «رضا مقصدی» پس از ۶ هفته آکران، در مجموع به فروش ۲ میلیارد و ۵۳۰ میلیون تومانی دست پیدا کرده است. فیلم «چهاره استانبول» به کارگردانی «مصطفی کیایی» سومین فیلم پر فروش هفته است که توانسته در مدت ۶ هفته آکران، ۲ میلیارد و ۹۷۷ میلیون تومان بفروشد. همچنین فیلم «خوک» به کارگردانی «مانی حقیقی» هم پس از ۶ هفته آکران به فروش یک میلیارد و ۶ میلیون تومان دست پیدا کرد. فیلم‌های «صادره»، «لونه زنبور»، «الٹاری» و «فیشتاه» نیز که از آغاز عید نوروز امسال روی پرده رفته بودند در هفته گذشته هر کدام به ترتیب ۶۵ میلیون، ۶۸ میلیون، ۷۷ میلیون و ۷۹ میلیون تومان فروش بلیت داشته‌اند.

کتاب

«مرد رؤیایا» چاپ چهارم می‌شد

انتشارات کتاب نیستان چاپ چهارم نمایشنامه «مرد رؤیایا» اثر سیمین‌پدی شجاعی را با محوریت زندگی شهید مصطفی چمران روانه بازار نشر کرد. به گزارش تسنیم، «مرد رؤیایا» با روایت پرکشش و کمتر شنیده شده از آشنایی شهید چمران با همسرش در آمریکا آغاز می‌شود و روایت جذاب و در عین حال غنی از ابراز علاقه همسر چمران به وی را به تصویر می‌کشد. این روایت زمانی جذاب می‌شود که در لابه‌لای آن شجاعی نقی نیز به گذشته‌های چمران و دوران نوجوانی او می‌زند و خاطراتی جذاب از آن دوران را در قالب گفت‌وگو و با همسرش پروانه، پیش چشم مخاطبانش تصویر می‌کند. بخش دوم داستان نیز به ماجرای آشنایی چمران با امام موسی صدر و مهیا شدن حضور چمران در لبنان اختصاص دارد. حساسیت شجاعی در بیان جزئیات و حضور بدون پرده بسیاری از چهره‌های تاریخی فعال در مبارزات ضد رژیم پهلوی در خارج از کشور و نیز استفاده از ادبیاتی صمیمی و عامیانه برای نوشتن دیالوگ‌های این اثر نیز از مهم‌ترین مواردی است که در جذابیت این متن افزوده است. چاپ چهارم نمایشنامه «مرد رؤیایا» در ۵۲۸ صفحه به قیمت ۴۵ هزار تومان منتشر شده است.

گزارش «وطن امروز» از عملکرد برنامه‌های شاخص تلویزیون در رمضان

جعبه اندوه!

برنامه‌های پر تعداد صداوسیما در ایام ماه رمضان به پایان رسید. انبوهی از برنامه‌های تلویزیونی که از لحاظ کمیت بسیار گسترده شده بودند اما از جهت کیفیت نمره بسیار پایینی را به نسبت سال‌های گذشته دریافت کردند. ضعف برنامه‌های تلویزیونی هم در مجموعه‌های نمایشی هم در برنامه‌های ترکیبی به صورت محسوس قابل توجه بود به گونه‌ای که بسیاری از مخاطبان ترجیح می‌دادند سفره‌های افطار خود را با دیدن تکرار سریال «پایتخت» رنگین کنند. افزایش محتواهای غم‌انگیز، کاهش کیفیت ساخت و پرداخت به مضامین کلیشه‌ای از جمله معضلاتی بود که برنامه‌های رمضان را از جذابیت انداخت و نبود خلاصیت در همه آثار، مخاطبان را نسبت به تلویزیون کم‌اشتیاق‌تر از گذشته کرد. این در حالی است که تلویزیون همچنان اصرار دارد که با انبوه برنامه‌های تولیدی خود، تمام ساعات روزه‌داران را به خود اختصاص دهد، بی‌توجه به آنکه نه تنها این اتفاق موجب کاهش کیفیت آثار شده، بلکه بسیاری از برنامه‌ها قربانی کنداکتور شلوغ تلویزیون می‌شوند.

رهایم نکن

سریال «رهایم نکن» به کارگردانی محمدمهدی عسگرپور، نخستین سریال رمضان بود که بعد از افطار برای مخاطبان به نمایش در می‌آید؛ سریالی کلیشه‌ای با یک کاراکتر میناسال مذهبی که لقب «حاجی» به او داده می‌شود و بر اثر هوسای نفس خود اقدامات خلافی انجام می‌دهد که وی را دچار عواقب ناخوشایندی می‌کند و او را به رسوایی می‌کشاند. روایتی تلخ از زندگی جامعه ایرانی که در آن کمتر راستی و درستی به چشم می‌آید اگر چه طبق آمار صداوسیما ۵۴ درصد مخاطبان، این سریال را مشاهده کرده‌اند اما هیچگاه نمی‌توان آن را به عنوان اقبال مخاطبان به این سریال در نظر گرفت، چرا که بخش بلافاصله آن بعد از افطار، موجب شده همه مخاطبان،



کارنامه‌اش اثر درخوری نمی‌توان پیدا کرد. بیش از آثار قبلی توجه دارالشعایی، می‌توان به اقدامات ضدانگیزشی و کنش‌های سیاسی او از ۸۸ تا به امروز اشاره کرد. از دورانی که به دلیل فعالیت علیه امنیت ملی دستگیر شد تا امروز که تئوئیر او محل اظهار نظرهای مختلف سیاسی و بعضاً هجوهای توهین‌آمیز شده است.

سر دلبران

سریال رضائی «محمدحسین لطیفی» پس از یک سال وقفه در رمضان ۹۷ روی آنتن رفت؛ اثری که بنا بود سال گذشته از شبکه سیما پخش شود اما به دلایل فنی به کنداکتور امسال رسید. «سر دلبران» روایتی مردمی از حضور روحانیت در اجتماع است که تلاش دارد ابعاد مردمی این قشر را بیشتر نمایان کند. حضور «رزو ارجمند» به عنوان کاراکتر محوری فیلم در نقش روحانی قابل توجه است. پیشینه طنز این کاراکتر او را از جهانی جذاب کرده و در عین حال از شأن روحانیت کم نکرده است. حضور بازیگران برجسته دهه ۷۰ و ۸۰ تلویزیون که کمتر از آنها خبری بود، از دیگر



اتفاقات پسندیده «سر دلبران» محسوب می‌شد. محمد کاسبی، جهانبخش سلطانی، جعفر دهقان و... از جمله کاراکترهای محبوب سیما بودند که در چند سال اخیر کمتر اثری از آنها در سینما و تلویزیون به چشم می‌خورد و بازی آنها در «سر دلبران» اتفاقی مبارک محسوب می‌شد. اگرچه که انتظارها از تازه‌ترین اثر سازمان اوج، به مراتب بالا بود اما «سر دلبران» تقریباً فاقد قصه

از ابتدا بنا بود سریال «پدر» در کنداکتور رضائی شبکه ۲ قرار گیرد اما به دلایلی که هیچگاه اعلام رسمی نشد، «بچه مهندس» به کارگردانی علی غفاری جایگزین آن شد. سریالی که ارتباط محتوایی چندانی با ماه رمضان ندارد و تولید آن نیز در شبکه ۵ پیگیری می‌شد. «بچه مهندس» به دلیل پخش در کنداکتور شلوغ رضائی و ساعت نه چندان مناسب، توانست نگاه‌ها را به خود جلب کند، در حالی که از خود همراهِ کرده بود و چند سال پیش می‌شد، بی‌شک مخاطبان فرآوانی را با خود همراه می‌کرد. «سعید سعدی» تهیه‌کننده این سریال با اشاره به اینکه از اول هم بنا نبود این سریال برای پخش در رمضان

بچه مهندس

آماده شود، اظهار داشت: «ساعت پخش سریال از سیاست‌های سازمان است و اگر بچه مهندس در ساعت دیگری پخش می‌شد، شاید زحمات عوامل بهتر دیده می‌شد». شد. سریالی که ارتباط محتوایی چندانی با ماه رمضان ندارد و تولید آن نیز در شبکه ۵ پیگیری می‌شد. «بچه مهندس» به دلیل پخش در کنداکتور شلوغ رضائی و ساعت نه چندان مناسب، توانست نگاه‌ها را به خود جلب کند، در حالی که از خود همراهِ کرده بود و چند سال پیش می‌شد، بی‌شک مخاطبان فرآوانی را با خود همراه می‌کرد. «سعید سعدی» تهیه‌کننده این سریال با اشاره به اینکه از اول هم بنا نبود این سریال برای پخش در رمضان



این سریال به عنوان دومین سریال پراستقبال رضائی مطرح است اما باید توجه داشت زمان بد این سریال حکایت از آن دارد که مخاطبان با انتخاب خود به تماشای «بچه مهندس» نشسته‌اند؛ سریالی با قصه‌ای ساده اما جذاب و خودمانی که توأمان فضای کمدی و خانوادگی را تجربه می‌کند.

برنامه‌های سحرگاہی

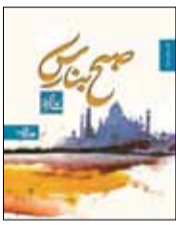
تلویزیون هر ساله برنامه‌های متنوعی را برای سحرگاه‌های رمضان تدارک می‌دید. شبکه یک با مونولوگ‌های «فرزاد جمشیدی» مخاطبان بسیاری را با خود همراه کرده بود و چند سال پیش می‌دادند سحرگاه خود را با رادیو سپری کنند. تنها برنامه تلویزیونی سحر برای کودکان بود که تازه به وادی روزداری رسیده بودند اما امسال عملاً تلویزیون دست خالی خودشان را برای ایام سحر بالا برده بود. «تقریباً هیچ» را می‌توان کارنامه تلویزیون در سحرهای ماه مبارک دانست. فقدان جذابیت، عدم وجود مجری مسلط و بی‌محتوایی از جمله آسیب‌های برنامه‌های سحرگاهی بود که مخاطبان را از سیما ناامید کرد و برخی خانواده‌ها را به چند



دهه پیش کشاند. زمانی که «رادیو» میهمان سفره‌های سحری بود و تلویزیون رقیبی چندانی جدی برای این رسانه قدیمی محسوب نمی‌شد و حال بعد از چند دهه بار دیگر مخاطبان ترجیح می‌دادند سحرگاه خود را با رادیو سپری کنند. تنها برنامه تلویزیونی سحر برای کودکان بود که تازه به وادی روزداری رسیده بودند اما امسال عملاً تلویزیون دست خالی خودشان را برای ایام سحر بالا برده بود. «تقریباً هیچ» را می‌توان کارنامه تلویزیون در سحرهای ماه مبارک دانست. فقدان جذابیت، عدم وجود مجری مسلط و بی‌محتوایی از جمله آسیب‌های برنامه‌های سحرگاهی بود که مخاطبان را از سیما ناامید کرد و برخی خانواده‌ها را به چند

یادداشت و نقدی بر دفتر غزل‌های «صبح بنارس» علیرضا قزوه

یاد غزل در هندوستان



قزوه در این میان نوگرایی‌های ویژه خود را دارد که گاه از عصیان‌های زیبای انسانی و گاه از کفریات عرفانی و گاه از اعتراض‌های شدید سیاسی و اجتماعی‌اش علیه سیاستمداران و سرمایه‌داران ضد ملی و دین‌فروشان مؤبد به آداب دینی و... برمی‌خیزد و همه اینها شعر قزوه را در کل خواندنی‌تر و پرطرفدارتر از بسیاری از دیگر شاعران می‌کند. در واقع، بر این تنوع و الوانی، تلفیق استادانه سطرهای کهنه و نو را نیز باید افزود که می‌توان از دیگر امتیازات غزل قزوه به حساب آورد، چرا که غزل او را می‌توان به خانه‌ای تشبیه کرد که در کنار لوازم و وسایل امروزی خانه که کاربرد دارند و مدرن هستند، سفاها و اشیای قیمتی و چیزهایی از این دست را نیز می‌توان در گوشه و کنار خانه دید که قدیمی‌اند و چشم‌نواز و بیش از آنکه نقش دکور و تزیین خانه را ایفا کنند، روح‌نوازند و نوستالژی می‌آفرینند.

مثالی می‌آوریم تا دریابیم نه تنها سطرهای کهنه و نو در غزل‌های قزوه در کنار هم ایجاد تنافر نمی‌کند(که قاعدتاً باید چنین می‌کرد) بلکه چقدر هم به زیبایی و انسجام غزل می‌افزاید: «نه پلکی می‌زند عقلم، نه راهی می‌دود هوشم چراغ خسته‌ای در انتهای شهر خاموشم به دوشم بار شب‌هایی و روزانی‌ست بر حسرت خاطراتی واقفی تضمین می‌کند(ا) توانایی‌های بسیار دارم و شعر ۲۴ نیز نشان می‌دهد غزل قزوه، غزل کشف کردن و در عین حال کشف شدن است:

«بعد رفته به سراغ چمدان‌های قدیمی عکس‌های من و دل‌تنگی باران صمیمی روزهایی همه محسوس در انباری خانه خاطراتی واقفی تضمین می‌کند(ا) توانایی‌های بسیار رفته بودم به ۴۰ سالگی غربت بابا با همان سوز که می‌گفت: خدایا تو کری می‌مشهد و عکس پدر، ضامن آهو و دل من گریه هم پاک نکرد از دل من گرد یثیمی تازه همسایه باران و خیابان شده بودیم کاشی چاردهم، رو به روی کوی نسیمی عشق را تجربه می‌کردم در ساعت ناشی شعر را تجزیه می‌کردم در دفتر شیمی نام‌هایی که نه در خاطره ماندند و نه در دل ساعت جبر شد و فرغ استاد عظیمی

اردوی رامسر و گم شدنم در شب منجنون رقص موسای عرب، خنده مسعود کریمی این یکی هست ولی از همه شهر بریده آن یکی را سرطان کشت، سلامی... نه، سلیمی این یکی عشق هدایت داشت با عشق فرانسه آن یکی قصه‌نویسی شد در حد حکیمی آن یکی پنجره‌ای وا کرد از غربت فکه این یکی ماند، گرفتندش در خانه تیمی این یکی باز منم شاعر دل‌تنگی یارا این یکی باز منم در چمدان‌های قدیمی...»

کم‌کم کار قزوه در غزل‌سرایی دارد به جایی کشیده می‌شود که گستره‌های گوناگون در نوردد، زیبا او از هر نوع غزل چند نمونه دارد؛ از غزل‌های آیینی و دفاع مقدسی با زبان دیروزی و امروزی و تلفیقی تا غزل‌های روایی و بیدلی و اخوانیماندن و مدرن و عرفانی تا انواع دیگر؛ و این همه نشانه سرگردانی نیست، بلکه نشان از مراحل تکوینی به سمت تکامل دارد؛ همان‌گونه که او روزگاری در شعرها و غزل‌های دوره اول شاعری‌اش به شریعت تأیید می‌کرد و بعد از آن مرحله از رشد شاعری شعر می‌گفت؛ آنجا که در مثل، اگر دشمنش را نابود می‌کرد، شدت احساس پیروزی می‌کرد اما در مرحله طریقت شاعری، شاعر از نابودی دشمنش احساس پیروزی نمی‌کند، زیرا برادری و همنوعی او برای ساختن جامعه و جهان، سلامتی و صلح بیشتری می‌آورد:

«اگر باران شدی، لب‌های عطشان را رعایت کن اگر توفان شدی، گل‌های مریم را مواظب باش» در پایان، در کنار تنوع غزل‌های قزوه که هر کدام‌شان می‌تواند برای شاعری دیگر یا جوانان الگویی باشد برای تکمیل و تکامل آن، نمی‌تواند بار دیگر روی عصیان‌های حاصل از حال سرکشانه عاشقانه و عارفانه قزوه تأکید نکرد که این سرکشی‌ها و عصیان‌ها بیش از هر ویژگی‌ها و حالی در بالاتر رفتن قزوه و به اوج رسیدن غزل‌هایش به او کمک می‌کند. البته شعار در اینگونه مواقع سهمی از گول زدن شاعر دارد اما قزوه با محتوا و معانی سطرهایی نظیر سطرهای ذیل می‌تواند آن را از خود دور کند: «باده بالایی است امشب باده از بالا بریز آتش تبریز را در جان مولانا بریز»

مهران مدیری

درباره جنگ فیلم می‌سازد



مهران مدیری در «خندوانه» بیان کرد که قرار است فیلم مهمی درباره جنگ بسازد که در آن ممکن است حتی یک گلوله هم شلیک نشود. به گزارش «وطن امروز»، مهران مدیری، کارگردان سینما و تلویزیون و مجری برنامه «دوره‌می» با حضور در برنامه «خندوانه» به سوالات رامبد جوان پاسخ داد. وی در بخشی از این برنامه در پاسخ به سؤالی درباره برنامه‌های کاری خود در آینده گفت: فکر می‌کنم بهار سال ۹۸ یک فیلم کمدی بسازم. بعد از این فیلم کمدی هم یک فیلم جدی می‌سازم که خیلی کار مهمی است و از تولیدش می‌ترسم. این فیلم درباره جنگ است که البته به آن معنایی که تاکنون دیدیم، نیست و ممکن است حتی یک شلیک گلوله هم در این فیلم نبینید اما قصه در بطن جنگ می‌گذرد. وی در پایان درباره حضور خود در جنگ توضیح داد: لمس جنگ از نزدیک خیلی عجیب است و آدم آرزو می‌کند هیچ‌گاه تکرار نشود. من جنگ را از نزدیک دیدم و خیلی تجربه بزرگی برام بود که باعث می‌شود انسان بزرگ شود.

سر انجام پخش «شب‌با عبیدی» چه می‌شود؟



مراحل ضبط برنامه تلویزیونی «شب‌با عبیدی» تا رسیدن به نتیجه مطلوب همچنان ادامه دارد. به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، شبکه نسیم که در این چند سال با ۲ برنامه «خندوانه» و «دوره‌می» مخاطبان فرآوانی را جذب کرده است، چند ماهی است درصدد ساخت برنامه «شب‌با عبیدی» است. برنامه‌های که پیش از این با نام «عبیدی شو» معرفی شده بود و ماه‌های گذشته آونوس آن روی آنتن شبکه نسیم رفت اما هنوز خبری رسمی از پخش این برنامه وجود ندارد و خبرهای ضد و نقیضی در این چند روز درباره آن به گوش می‌رسد. اما پیگیری‌ها حکایت از این دارد که با توجه به اینکه شبکه نسیم درصدد است برنامه‌ای با کیفیت و استاندارد بالا روی آنتن ببرد، مراحل ضبط «شب‌با عبیدی» با دقت و وسواس بالایی پیش می‌رود. به همین دلیل ضبط این برنامه همچنان ادامه دارد تا مخاطبان در زمان پخش با اثری مطلوب روبه‌رو شوند، البته باید گفت که هنوز نمی‌توان درباره پخش برنامه «شب‌با عبیدی» زمان دقیقی را مطرح کرد. پیش از این محمدحسین لطیفی، کارگردان این برنامه از پخش «شب‌با عبیدی» پس از ماه مبارک رمضان خبر داده بود.

سینمای جهان

ریدلی اسکات بزرگ‌ترین عملیات

سیار فیلم می‌کند

سرانجام نویسنده مورد نظر برای نوشتن فیلمنامه فیلم بعدی ریدلی اسکات انتخاب شد. به گزارش مهر به نقل از روایتی، دیو کلارد برای نوشتن فیلمنامه فیلیمی درباره سازمان سیا با عنوان «نه تایید نه تکذیب» انتخاب شد. این فیلم قرار است در کمپانی تولید فیلم ریدلی اسکات به نام کمپانی «اسکات فری فیلمز» ساخته شود. ساخت این فیلم از سال پیش و پس از آنکه تهیه‌کنندگان حقوق ساخت فیلم از کتاب «بزرگ‌ترین عملیات مخفی سیا» نوشته دیوید اچ‌شارپ را به دست آوردند، مدنظر قرار گرفت. این کتاب جزئیات غرق شدن زیر دریایی هسته‌ای شوروی K-129 در اقیانوس آرام در سال ۱۹۶۸ را روایت می‌کند. با وجود جست‌وجوهای پنهانی، شوروی هرگز نتوانست این زیر دریایی گمشده را پیدا کند اما آمریکایی‌ها در یک عملیات مخفی ۶ ساله اسرار این ماجرا را کشف کردند و با استفاده از یک داستان ساختگی با عنوان جست‌وجو در اقیانوس توسط هاوارد هیوز میلیارد، روی این عملیات سرپوش گذاشتند. وقتی این موضوع توسط مطبوعات فاش شد تنها پاسخ سیا این بود که «ما نه تایید می‌کنیم و نه تکذیب». از این پروژه به عنوان آزروران یاد می‌شود و این نامی بود که سیا برای سرپوش گذاشتن روی تحقیقاتش انتخاب کرد. این پروژه یکی از مخفی‌ترین، پیچیده‌ترین و پرهزینه‌ترین عملیات‌ها در دوران جنگ سرد بود که حدود ۸۰۰ میلیون دلار برای آن هزینه شد.